

ياروسلاو هاشک  
شوایک

ترجمه کمال طاهری با تصویرسازی های یوزف لادا



جهان کلاسیک

درشکه‌چی‌های ژیزکوف که در گوناگون‌ترین گوشه‌های  
پراگ به او برمی‌خورند عار و لگزدش نام داده بودند  
(از کتاب عار و لگزد، بوسنه رادکو پیللیک)

## «غاز و لگزد»

یارسلاو هاشک Jaroslav Hašek در سال ۱۸۸۳ در پراگ به دنیا آمد پدرش  
آمورگار دبیرستان بود خانواده در تنگدستی می‌ریست، و پس از مرگ پدر در فقر و  
بیسوایی هاشک که در آغاز دانش‌آموزی کوشا و درس‌خوان بود، در کلاس چهارم  
دبیرستان از ادامه تحصیل نارماند و در داروخانه‌ای به شاگردی پرداخت حاطرات  
این دوران موضوع یکی از دل‌انگیزترین نوشته‌های اوست سرانجام به علت شطنتی  
که از او سر می‌ریخت از داروخانه بیرون می‌کند و هاشک از نو به مدرسه برمی‌گردد،  
آمورشگاه ناررگانی را تمام می‌کند و کارمند بانک می‌شود، اما پس از چندی عذرش  
را می‌خواهند، ریرا نمی‌تواند در برابر وسوسه گشت و گذارها و ولگردی‌ها ایستادگی  
کند و دو بار، هر بار زمانی طولانی، از محل کار عت می‌کند تمایل به ولگردی از  
همان اوان کودکی در او پدید آمده بود یک بار در چهار سالگی از خانه بیرون  
می‌ریخت و پلیس شب‌هنگام او را حلوی در بیمارستان نظامی، در حال ناری با

می‌گیرد، ولی پس از نه‌دینا آمدن فرزندشان ریشارد، زندگی ریشاری دچار آشفتگی می‌شود و او از نو نه شیوه زندگی گذشته برمی‌گردد

هاشک در عین حال از نظر سیاسی بسیار فعال است، نه حشش آنارشیستی که در این رمان بسیار گسترش یافته بود می‌پیوندد، اما پس از ناکامی‌هایی از آن جدا می‌شود و از سر هرل، همراه تسی چند از دوستانش، ریزر پوشش «وفاداری» نه امپراتوری اتریش - هنگری که آن‌همه مورد تاکید دستگاه تبلیغاتی امپراتوری بود، حرب عحیی تأسیس می‌کند «حرب پیشرفت آهسته در چارچوب قانون»، و خود به‌عنوان کاندیدای این حرب در انتخابات میان‌دوره‌ای شرکت می‌کند بر اساس برنامه، «این حرب سازمان آن دسته از شهروندان عاقل و داناست که نه ریان هرگونه تدروی آگاهند و می‌دانند که پیشرفت سالم تنها اندک‌اندک و نه‌کندی امکان‌پذیر است» این چنان ژانری از طبر است که مقامات از مقابله نا آن عاخر می‌مانند رادکو پتلیک Radko Pytlík، هاشک‌شناس چک، می‌بویسد «هاشک در رمان حیات هم در هاله‌ای از قصه و افسانه می‌ریست اسطوره هاشک افکار عمومی را ریزر سلطه خود گرفته بود پراگی‌ها از او به‌عنوان ولگرد، می‌جواریه، می‌ستیفیکاتور<sup>۱</sup> پراواره، و نیادگذار حرب پیشرفت آهسته در چارچوب قانون یاد می‌کردند و او را اولین‌شپیکل<sup>۲</sup> ناریگوش پراگی پیش از حنگ می‌خواندند»

در سال ۱۹۱۵ هاشک به‌عنوان داوطلب یک‌ساله<sup>۳</sup> وارد هنگ ۹۱ پیاده چسکه بودیویتره České Budějovice می‌شود در این‌جا هم نه آرمانش وفادار می‌ماند دو نار از خدمت فرار می‌کند، تا این که سرانجام درحاش را می‌گیرند و نه سه سال

نگهبانان می‌باند در چهارده سالگی تمام موراوی<sup>۱</sup> را ریزر پا می‌گذارد، و در هعهه سالگی سراسر گالسی<sup>۲</sup> و اسلواکی را می‌گردد از محل یازانه‌ها و اعانه‌ها می‌رید و ریزر وبلائی ریدگانی را آن‌طور که هست می‌شناسد عریب بیست که کارل چاپک Karel Čapek، نویسنده دیگر چک، در بررسی احوال هاشک می‌بویسد «هاشک آدمی بود که دنیا را دیده بود، دیگران فقط راجع به آن می‌بویسد»

در این رمان‌هاست که تصمیم می‌گیرد نویسنده شود و شروع نه نوشتن می‌کند فقط اشخاص کمی می‌دانند که هاشک شعر هم می‌سرود، شعرهایی رینا، و آن‌ها را بسیار دوست می‌داشت اما در وهله اول از محل فروش نوشته‌های طبرآمریش به روزنامه‌ها و محله‌ها گذران می‌کرد، در شرایطی ناساز، و در تنگدستی

هاشک در این رمان یک بوهم<sup>۳</sup> تمام‌عیار است هیچ وابستگی، هیچ نظمی را نمی‌پذیرد سرووصعی ناسامان دارد نه چهره آشنای «شب‌های پراگ» میدل می‌شود، مشتری همیشگی میکده‌های دورافتاده و قهوه‌خانه‌های ته شهر است، و نامش غالباً در گزارش‌های پلیس به‌چشم می‌خورد شیوه زندگی اش تنها هنگامی دگرگون می‌شود که دل نه یارملا مایرووا Jarmila Mayerova، دختر یکی از متمولان شهر، می‌بندد والدین دختر اما اسمش را هم نمی‌خواهند بشوند، «مگر آن که عوض شود» هاشک نه‌خاطر ازدواج با دختر دست نه هر کاری می‌رید، و از روی ناچاری عضو هیئت نویسندگان محله دیای حیوانات می‌شود اما حیلی رود برویش می‌کند، ریزر حیر از جانوران شگرفی می‌دهد که تنها راده خیال پرتوان خود اوست چندی بعد کار تازه‌ای پیدا می‌کند و هم‌زمان در نشریات دیگر هم نه کار می‌پردازد، اما کارش در هیچ‌یک از آن‌ها دیر نمی‌پاید در این میان یارملا را نه ریی

۱ Moravie (Morava) ناحیه‌ای در شرق کشور چک که شهر برنو مرکز آن است

۲ Galicie یکی از ایالت‌های امپراتوری اتریش که امروز حره لهستان و روسیه است

۳ Bohème در فرهنگ اروپایی نه شیوه‌ای از ریدگی، نا نه آدمی می‌گویند که کمتر پای‌بند قیود و آداب و قراردادهای اجتماعی است، «بلحی» و آسان‌گیر و کمی بی‌حیال است، فارغ از عادات و رسوم روزمره می‌رید و غالباً نه هر و ادبیات کشش دارد

۱ Mystificator وانما، مسه‌ساز، در رمان کوچه فارسی سه‌ه‌بار

۲ Eulenspiegel حهره رید و سوح قرن چهاردهم اروپای شمالی که همانند ملا نصرالدین ما قصه‌ها و حکایات بسازی - اعم از دوره‌های پیش یا پس از او - نه نام او سسه است و نه نام او نقل می‌شود

۳ به‌رغم معنای مستعم کلمه، «داوطلب یک‌ساله» نه کسانی اطلاق می‌شد که به‌دنبال پانان تحصیلات متوسطه، پس از گذراندن دوره آموزشی لازم، وارد خدمت اجباری می‌شدند